

مقدمه

انسان موجودی جداً نیازمند و مصداق کامل فقیر الی الله است (یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله)^۱ او را دمی از نیازش نمی توان دور داشت، اگر فیض الهی به صورت مداوم و مستوالی نرسد، حیات و زندگی معنی نخواهد داشت.

دامنه نیازش بس وسیع و بیش از آن چیزی است که عاقله مردم از آن نظر و مقصد دارند. او نیازمند به غذا، آب و هوا، حرارت مناسب، خواب و استراحت، دفع و تخلیه، حرکت و جنبش، بهداشت و سلامت جسم و روان، محبت، احترام، پذیرش، حمایت، مراقبت و... ما در کتابی به معرفی بخشی از آن نیازها، پرداخته ایم.^۲

از نیازهای متعددی که برای انسان است یکی نیاز به نیایش و ستایش است که از نیازهای عالی رشد به حساب می آید و در قالب مذهب قابل طرح است و ما در این قسمت قصد داریم آن را در رابطه با دختران مطرح سازیم، اگرچه بحث مذهب بخشی عام و برای زن و مرد و تمام افراد قابل طرح است.

نیاز به مذهب

از نیازهای مهم و عمده آدمی نیاز به مذهب است که دارای نقش فوق العاده ای در رشد و سازندگی انسان است. برای اینکه جهت بحث روشن باشد، نخست به ذکر این نکته می پردازیم که نیازها از جهات مختلفی قابل دسته بندی هستند. بخشی از آن



تربیت و سازندگی دختران

دختر در پناه مذهب

مشترک بین انسان و حیوان است مثل نیاز به غذا، آب و هوا... بخشی از آن تنها برای انسانها قابل طرح و مشترک بین زن و مرد است مثل نیاز به مذهب.

زن و مرد هر دو به مذهب نیاز دارند مخصوصاً برای شناخت راه و رسم زندگی، آگاهی از رمز و راز حیات، شناخت قوانین زندگی، اطلاع از اسرار سرای دیگر و...^۳ ولی در عین حال مذهب تأمین کننده نیازهای خاص آنان است و برای هریک از آنها علاوه بر برنامه های مشترک، برنامه ای ویژه دارد که ما جلوه هایی از آن را در زمینه عبادات زنان و دختران در مواقع خاص می بینیم.

و یا می دانیم دختران و زنان به مناسبت شرایط خاص خود به نیروی ایمان و اتکای به نفس بیشتری نیاز دارند تا در سایه آن خود را نگهدارند و ایمان خود را حفظ کنند. و هم در زندگی به جسارت و قوت و عزم بیشتری احتیاج دارند تا در راه حفظ شرافت و عفت خود بیش از پیش بکوشند.

مذهب و سازندگی دختران

اعتقاد به مذهب نقش مؤثر و سازنده ای در زندگی دختران دارد و باعث آن می شود که زندگی و اخلاق هدف و جهتی خاص پیدا کند به ویژه که قلب انسان بدون مذهب نمی تواند به سوی اخلاق بگراید و اگر کسی بخواهد اصول اخلاقی را بدون مذهب بیاموزد، مانند آن است که بخواهد بیکری زنده، اما بدون نفس به وجود آورد.^۱ مذهب در چگونگی سیر دادن آنها به سوی هدف، به گونه ای صحیح بسیار مؤثر است، در همه چیز به او ملاک و مقیاس می دهد. آن کس که مذهب ندارد چون غربی است که مدام در دنیای شک و

تردید و بلا تکلیفی دست و پا می زند، خوب را از بد، مفید را از مضر تشخیص نمی دهد. هر روز و هر ساعت عقیده ای دارد و با خود و طبیعت و با اهل دنیا پیوسته در جدال و کشمکش است^۵ و این امر برای دختران شدیداً زاینبخش است.

هم چنین دختران که به علت رقت عاطفی زودشکن هستند، در مواردی از احساس پوچی و بیهودگی سرد می آورند. و هم به گفته لومبروز و به علت حجب و مناعت مخصوص مجبور به خویشتن داری و رازداری درباره مصائب روحی دارای اثرات شوم و روان فرسا برای او و خانواده او خواهد بود^۶.



مذهب می تواند به او قدرت روحی دهد و از رنج روحی او بکاهد و او را آرامش و سکون بخشد و به او یک زندگی معنوی و به دور از هوی و هوس ببخشد. تضادهای او را حل کرده و عامل نجات او گردد.

زمینه فطری آن

آری مذهب عاملی سازنده و جهت دهنده است ولی این سؤال مطرح است که آیا زمینه پذیرش آن در دختران وجود دارد یا نه؟ پاسخ این است تقاضای مذهب در خواسته های فطری بشر است و مخصوصاً این حس هم چون جمال دوستی ریشه اصلی خود را در فطرت دارد.^۷ با فرا رسیدن بلوغ مانند سایر تمایلات طبیعی در نهاد جوانان بیدار می شود و آنها را به مجاهده

و کوشش وای می دارد.

به گفته «موریس دبس» این احساس به خصوص در نزد دختران جوان همراه با جهش های عارفانه است و بالاخره در این دوران است که الهامات مذهبی صورت دقیق پیدا می کند.^۸ اینان خواهان معرفت الهی هستند و این امر در سنین خاص شدید می شود و نسبت به مذهب علاقه بیشتری نشان می دهند.

البته هدف مذهب که یکی از آنها پاسخ دادن به سئوالات مهم فطری انسان است و علم و فلسفه قادر به آن نیستند، خود می تواند زمینه ساز پذیرش مذهب باشد. تعالیم مذهبی،

❖ دختران که به علت رقت عاطفی زودشکن هستند، در مواردی از احساس پوچی و بیهودگی سرد می آورند.

هم احساسات آدمی را ارضا می کند و هم جلوی طغیان و انحراف را می گیرد. و این خود نقطه ای مثبت و عامل دلگرمی و موجد یقین و آرامش است.

القای مبانی مذهب

می دانیم ایمان به خدا پایه و مایه اساسی مذهب است و ضامن اجرای تعالیم و برنامه هاست و تربیت بدون آن ضامن اجرا ندارد. از همان زمان خردسالی در سنین سه و چهار برای او سخن از خدا داریم و لطف و مرحمت و عنایت او، مخصوصاً مراقبت داریم که تا سنین حدود ۸ فقط از لطف خدا و عنایت او حرف بزنیم و در دل کوچک او بذر محبت خداوند را بکاریم.^۹ سعی داریم خداوند را با همه قدرت و

نیکی، با همه اراده و بزرگی به آنها شناسانیم و در این راه از طبیعت و زیبایی ها، استفاده می کنیم سعی داریم همه لذت‌دانی را که او از زندگی دارد به خدا نسبت دهیم و خدای را این چنین به او معرفی کنیم. حتی باید بگوییم خداوند خواسته است که پدر و مادر او را دوست بدانند، به او غذا دهند، به او مرحمت روا دارند.

ما می توانیم از دوران کودکی با زبان ساده حس مسئولیت را در او بیدار کنیم و به او بفهمانیم خداوند او را در هر حال می بیند، از کارهای بد و خوب او آگاه است، در کارهای خوب به او پاداش می دهد و در بدیها او را مجازات می نماید.^{۱۱}

دلالت مذهب

ما می خواهیم دختران بنده خالص خدا باشند، عضوی در جامعه سالم به حساب آیند، همسری باشند برای شوهر، مدیری باشند برای کانون، مادری باشند برای فرزندان، شخصیتی باشند متین و مؤمن در جنبه حیات فردی خویش. انجام این وظایف متعدد نیاز به دلالت های جامع و فراگیر دارد و تنها مذهب قادر به این دلالت است.

ما می خواهیم دختران ما سالم بیندیشند، واقع بین و هدفگرا باشند، در برابر نفس اماره که دعوت به سوء دارد، مقاومت ورزند، طالب جمال معنوی و عظمت روحی و کمال اخلاقی باشند، اندیشیده و سنجیده به فداکاری و ایثار تن در دهند و این مقاصد حاصل شدنی نیستند جز در سایه دلالت مذهب و قرار دادن دختران در پناه مذهب.

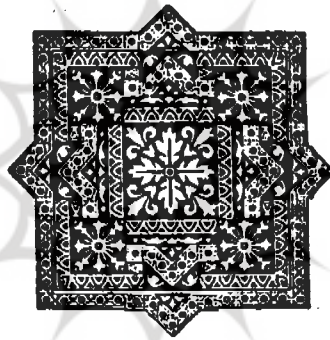
از علل فساد و آلودگی دختران می توان عدم تربیت صحیح، کمبودها و نارساییها، ضعف ایمان و اخلاص، عدم پایبندی به یک مکتب پر جاذبه اعتقادی، و البته به همراه آن فساد جامعه و عدم حضور شرایط برای

بهبود زندگی لازم و یا عدم منطق کارساز و کارآمد برای آموزش راه خوشبختی و بهروزی است.

اسلام احیای خواهش مذهب را بر سایر خواهش ها مقدم شناخته و برنامه های تربیت خود را در ارضای تمایلات معرفت فطری و وجدان اخلاقی آغاز می کند و آنها را برای یک زندگی پاک و شرافتمندانه که توأم با ایمان الهی و سجایای اخلاقی است آماده می سازد.^{۱۲}

سنین مهم برای القای مذهب

در القای مذهب به دختران دو مرحله از



سن را بسیار پاس می داریم: یکی سنین کودکی است که دوران شکل اخلاق و شخصیت و سازندگیهای عاطفی و روانی و ایجاد و تثبیت عادت است. بر اساس تحقیقات: کودکانی که در دامن پدران و مادران با ایمان تربیت شده و از طفولیت درس خداپرستی گرفته اند، نسبت به کودکان بی ایمان، روانی قویتر، استقامتی بیشتر و دیدی وسیع تر دارند و... از وظایف خود شانه خالی نمی کنند و به گناه و تجاوز آلوده نمی شوند...^{۱۳}

و دیگر سنین نوجوانی، که در آن بطور طبیعی تمایل دیگری به صورت عشق و علاقه مذهبی در آنان نمایان می شود و با پیشرفت

عوامل طبیعی، بلوغ پیوسته تشدید می شود و در سنین شانزده سالگی به اوج خود می رسد.^{۱۴} به گفته مورس دس، مابین بحران تکلیف و جهش ناگهانی احساسات مذهبی ارتباطی وجود دارد و در این اوقات یک نوع نهضت مذهبی حتی در نزد کسانی دیده می شود که سابق بر این نسبت به مسائل مربوط به مذهب و ایمان لاقید بوده اند.^{۱۵}

البته اعتقاد به مذهب و ایمان به حقایق جاوید و نیاز به پرستش، با سنین عمر تشدید می شود و هر چه به سوی مراحل رشد بیشتر به پیش روند، نفوذ و تأثیر ایمان، در ایمان و افکار و اعمال ما زیادتر است،^{۱۶} البته این

*** ما می خواهیم دختران بنده خالص خدا باشند، عضوی در جامعه سالم به حساب آیند، همسری باشند برای شوهر، مدیری باشند برای کانون، مادری باشند برای فرزندان ***

نکته را فراموش نمی کنیم که در سنین نوجوانی در آنها تردیدهای مذهبی پدید می آید که ممکن است به تعارض منجر گردد و در آن صورت کمک والدین و مربیان برای باز پروری و اصلاح بسیار ضرور می شود.

قدرت مذهب و آثار آن

مذهب عامل نجات از سردرگمی، سیردهنده به سوی کمال، ارائه دهنده راه و رسم درست، نظم و قانون و ضابطه و در برگرفته همه راههای درست در بهره گیری از نظام هستی است. آثار و قدرت آن را هم در حیات فردی دختران می بینیم و هم در

۱- در حیات فردی: تعلیمات محکم و استوار مذهب و ایمان، بدان زمینه را برای نجات از وسوسه ها، در جازدن بر سر دو راهی های زندگی، سقوط در خطر فراهم می سازد. پاکیزگی و صفای آن تعلیم و بی آلابی آن، روان آدمی را متقاعد کرده و آرامش و خوشبختی به او می دهد.

نیروی ایمان و خداپرستی، تبعیت از تعالیم حق، او را بر تمام مشکلات روحی و دغدغه زندگی و پریشانیها چیره و غالب خواهد کرد.^{۱۷} نظمی برای نفس و راهنمایی برای کنترل هوی و هوس و زمینه ای را برای سر بیرون کردن از دریچه محدود این جهانی و دیدن جهانی عظیم تر فراهم خواهد ساخت.

کسانی که به خداوند جهان معتقدند و در جزر و مد زندگی به او متکی هستند و پیوسته از عنایات نامحدودش استمداد می کنند، روحی توانا و روانی شکست ناپذیر دارند و در پیش آمدهای زندگی، دچار وحشت و خود باختگی نمی شوند.^{۱۸} وقتی که راستگویی، اصانت داری، دوری از خیانت را از امر و نهی الهی، آن قدرت مصدق و مورد تأیید فطرت بیابد به آن سوی روی می آورد و بدین گونه روح عفاف و نجابت و تقوا و اعتماد و ایمان در او پدید می آید و قوای فکری او تقویت می گردد. و در عین تحمل مصائب می کوشد تعلیمات او را مجری دارد و شخصیت فطری خود را از خطرات و تسلیم های ناروا دور دارد.

۲- در جنبه اجتماعی: مذهب در جنبه اجتماعی آموزنده و سازنده دختران است. تعالیم آن در زمینه عفاف و تقوا، حفظ شخصیت اجتماعی، رعایت مصالح خانواده، رعایت گرمی کانون، تنها به فکر خود نبودن، نقش اصلی و اساسی دارند.

به فرموده امام صادق (ع) تعالیم مذهب این قدرت را دارد که زمینه را برای جلوگیری از گمراهی ها فراهم سازد. اینکه فرموده اند (بأذن الله) بالحدیث قبل ان یسقیکم الیهم المرجئه^{۱۹} ذهن شان را با مسائل ارزنده اسلامی باید پر کرد تا عوامل گمراه کننده زمینه را برای سقوط آنها فراهم نسازند.

اثر مذهب را در دختران لا اقل با مقایسه وضع قبل و بعد از انقلاب اسلامی خوب می توان فهمید که چه جرائم و انحرافات وجود داشت و چه طغیان و عصیان. امروزه به علت تزلزل ارکان مذهب در جوامع غربی آلودگی ها در زنان و دختران به حدی است که حتی می توان گفت خانواده و بقای نسل شریف در معرض خطر است. قانون شکنی، لجام گسیختگی، اعتیادات، شرارت ها چنان در بین دختران ریشه دوانده که دمار از روزگارشان برآورده است. مذهب، ارزشهای موجود و متداول را زیر سؤال می برد و به نسل ما ملاکهایی جهت ارزیابی و موضعگیری تقدیم می دارد تا خود بتوانند خود را بسازند و کنترل نمایند.

اسلام و تربیت مذهبی

آموزش و پرورش مذهبی دختران باید به عنوان اصلی باشد تا زمینه را برای نیرومندی آنان فراهم آورد و قدرت مذهب به صورت احساسی قوی درآید و آنان به خوبی شکفته شده و به رشد و کمال خود برسند.^{۲۰} بویژه آنان را با قواعد و دستورات مذهبی که پاسخگوی نیاز آنان باشد و زمینه را برای تطبیق آنان با شرایط مذهبی فراهم سازند. اسلام به دور دختران حصار کشیده است بدان خاطر که شرایط رشد در آنان سریعتر و آمادگی برای بهره گیری های نامشروع از آنان فراهم تر است.

این امر در خصوص سنین نوجوانی بیشتر قابل ملاحظه است و سفارش و اصرار آئمه ما به توجه دادن این نسل به معالم دین بیشتر بوده است. امام باقر (ع) می فرمود: وقتی جوانی را از شیعیان می بینم که مسائل مذهبی را نمی آموزد و از ادای این وظیفه تخلف می کند، دلم به درد می آید (یا او را به وضع دردناکی مجازات می کنم).^{۲۱}

در این برنامه خانواده و مخصوصاً پدر نقش اساسی دارد. او معلم خانواده است و قبل از هر چیز می تواند به تعلیم کتاب خدا و تأویلس و شرایع اسلام و حلال و حرامش آشنا سازد و این امری است که امیرالمؤمنین در نامه خود به امام مجتبی (ع) متذکر است (وان ابتدئک بتعلیم کتاب الله و تأویلده و شرایع الاسلام و احکامه و حلاله و حرامه).^{۲۲}

• پی نوشتها:

- ۱- سوره فاطر، آیه ۱۵
- ۲- خانواده و نیازمندیهای کودکان
- ۳- تعلیمات جعفری (نبوت)
- ۴- ما و فرزندان ما، ص ۸
- ۵- شادکامی، ص ۴۳
- ۶- روان شناسی زن، ص ۱۰۷
- ۷- جوان، جلد اول، ص ۳۸۱
- ۸- بلوغ، ص ۱۱۸
- ۹- پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان، ص ۶۵
- ۱۰- کودک، جلد ۱، ص ۴۶۱
- ۱۱- سوره یوسف، آیه ۵۳
- ۱۲- جوان، ج ۲، ص ۳۴۷
- ۱۳- کودک، ج ۲، ص ۳۲۳
- ۱۴- جوان، ج ۱، ص ۳۷۵
- ۱۵- بلوغ، ص ۱۸
- ۱۶- شادکامی، ص ۴۰
- ۱۷- سلامت بن و آرامش، ص ۳
- ۱۸- کودک، ج ۱، ص ۴۵۵
- ۱۹- کافی، ج ۱، ص ۴۷
- ۲۰- جوان، ج ۱، ص ۳۸۱
- ۲۱- معالم الدین
- ۲۲- نهج البلاغه، نامه به امام حسن مجتبی (ع)